

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :

Undesirable Relationship between Alborz and Tehran

A phenomenological study of Alborz Mountains' Meanings in the Minds of

Tehran's Residents

در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

رابطه نامطلوب البرز و تهران

پدیدارشناسی معنای ذهنی کوه‌های البرز از نگاه ساکنین شهر تهران

بابک داریوش^{۱*}، فاطمه دستیار^۲

۱. پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشگاه ژنو سوئیس و پژوهشکده نظر، تهران، ایران.

۲. عضو هیئت علمی گروه معماری، مؤسسه پژوهشی شیخ بهایی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت : ۹۹/۰۱/۲۶ تاریخ اصلاح : ۹۹/۰۳/۲۸ تاریخ پذیرش : ۹۹/۰۳/۲۹ تاریخ انتشار : ۹۹/۰۴/۱۱

چکیده

کوه‌ها از دیرباز مظهر برکت و رحمت برای انسان‌ها بوده‌اند. در تمدن‌های باستانی، اغلب آیین‌های مذهبی بر فراز کوه‌ها برپا می‌شده، چراکه در تصور مردم، کوه نزدیکترین مکان به آسمان و جایگاه خدایان و همچنین زندگی در کوه نشان بریدن از تعلقات دنیایی و پیوستن به علایق آن جهانی بوده است. اما به دلایل جغرافیایی، کوه برای سرزمین ایران و مردم آن دارای اهمیت بیشتری بوده است. آب، از مهمترین کارکرد برای ایرانیان به شمار می‌رفته است و علاوه بر آن، کارکردهای دفاعی، معیشتی، هوای مطبوع و سایر کارکردهای کالبدی آن سبب شده تا کوه‌ها برای ایرانیان جدای از یک عنصر عینی و کالبدی، دارای معنای ذهنی نیز باشد. کوه برای ایرانیان یک مرکز و نمادی از بهشت بوده و ایرانیان در آن به عبادت می‌پرداختند. در ادوار تاریخی نیز، همواره کوه مورد ستایش ایرانیان بوده است. اما به مرور زمان و با ورود مذهب و مدرنیته در دو مرحله تاریخی، اهمیت و کارکردهای این عنصر طبیعی-تاریخی برای ایرانیان کم شده است. امروزه شاهد آنیم که کاهش کارکردها و اهمیت کوه در زندگی مردم، منجر به کاهش اهمیت آن در ذهن مردم ساکن کوهپایه البرز شده است. چنانکه علی‌رغم تأکیدات بسیار در مطالعات علمی و طرح‌های جامع شهری، ساکنان تهران، امروزه نمی‌توانند از مواهب و مزیت‌های کوه‌های شمالی خود بهره‌مند شوند و نسبت به تخریب آن هم دچار بی‌تفاوتی شده‌اند. نگارندگان مقاله بر این باورند که این کوه‌ها در حال حاضر در ذهن تهرانی‌ها، دارای معانی متعدد هستند ولی این معانی آنقدر پررنگ نیست که ساکنان تهران را نسبت به تخریب و تجاوز به کوه حساس کند و به طور کلی این مسئله اولویت و مطالبه تهرانی‌ها نیست. لذا در این پژوهش با هدف یافتن معنای ذهنی مردم از کوه‌های البرز، از روش پدیدارشناسی استفاده شده و تحلیل یافته‌ها نیز از روش تحلیل مضمون و براساس دسته‌بندی سلسله‌مراتبی با نظریات کینگ و رایان و برنارد صورت گرفته است.

واژگان کلیدی

کوه‌های البرز، تهران، معنای ذهنی، پدیدارشناسی، تحلیل مضمون.

مقدمه

حاضر در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. برای اظهار نظر درباره رابطه فعلی میان دو پدیده، می‌بایست سیر تاریخی آن رابطه و کارکردها و تعاملات میان آن دو پدیده را در گذر زمان مورد بررسی قرار دهیم.

مسئله اصلی این پژوهش رابطه فعلی البرز و تهران است که شواهد و بررسی‌ها نشان می‌دهد این رابطه در حال

که همه جا هستند و مراکز تجاری که در همه شهر پخش شده‌اند و درست هنگامی که کوه‌ها دیده می‌شوند متوجه می‌شویم چقدر به ما نزدیک هستند (اسگارد، ۱۳۹۳، ۶۶-۶۷).

از سویی مجاورت شهر و کوه مزیتی برای شهر است. «نواحی کوهستانی جهان بستر و خاستگاه تمدن‌هایی بسیار ارزشمند و اصیل بوده‌اند. محیط خاصی که مردمان این نواحی در آن در طول تاریخ زیسته‌اند موجب پیدایش رفتارها، وضعیت‌ها و روابط خاص بین انسان و طبیعت شده که زیربنای همه تمدن‌ها است. افسانه‌هایی که این تمدن‌ها خلق کرده‌اند، ارزش‌هایی که بر آنها استوار بوده‌اند و ساختارهای اجتماعی-اقتصادی همگی به شدت در نتیجه تأثیر موقعیت جغرافیایی بوده است. کوه‌ها یک پنجم سیمای زمین را تشکیل می‌دهند، زیست‌گاه حداقل یک دهم از مردم جهانند، یک سوم مردم دنیا از جنبه‌های مختلف (غذا، برق، چوب و مواد معدنی) به کوه‌ها وابسته‌اند، نیمی از مردم جهان از نظر تأمین نیازهای آبی به آبخیزهای کوهستانی چشم دوخته‌اند. کوه‌ها از زیباترین و مؤثرترین چهره‌های مسلط زمین هستند. حیات دشت‌ها را تأمین می‌کنند و پایه‌های زیستی جمعیت عظیمی از مردم جهان را تشکیل می‌دهند و سرچشمه همه رودهایی هستند که شریان‌های حیاتی جوامع بشری می‌باشند» (IUCN, 2004). به علاوه مطالعات و مقالات بسیاری هم در سطح بین‌المللی و ملی انجام شده که نشان می‌دهد مجاورت یک عنصر طبیعی، مثل کوه، مزیت بزرگی برای یک شهر است. کوه‌ها به دلیل جغرافیای خاص این منطقه، در فلات ایران، منابع آب شیرین هستند و اولین و مهمترین عامل قرارگیری شهرها در دامنه کوه در ایران، وجود آب است. اما کوه‌ها ویژگی‌های دیگری برای استقرار جمعیت‌های بزرگ در کنار خود داشتند، از جمله: کوه‌ها به عنوان سدی دفاعی در برابر حمله دشمنان بودند، در برابر بلایای طبیعی از انسان‌ها مراقبت می‌کردند، آب و هوای مطبوعی برای زندگی داشتند، به عنوان نشانه‌ای برای شهرهای دامنه‌ای دارای عملکرد بوده و وجود خاک آبرفتی دامنه آن، مکان مناسبی برای کشاورزی بوده است. همچنین رشته‌کوه البرز به گواهی نقاشی‌ها و تصاویر مندرج در سفرنامه‌ها از مهمترین عناصر هویت‌ساز این شهر بوده است. این عنصر طبیعی به دلیل مشخص کردن امتدادهای اصلی شهر، در ایجاد کلیت پیوسته و احیای هویت طبیعی، تاریخی و مصنوع تهران بسیار مؤثر است (یاراحمدی، ۱۳۸۹) و (آل‌هاشمی، ۱۳۹۳). عملکرد این کوه‌ها به عنوان نشانه و شیب‌دابودن شهر (که ناشی از قرارگیری بر دامنه این کوه‌ها است)، سبب جهت‌یابی و خوانایی شهر می‌شوند،

در گذشته اغلب آیین‌های مذهبی بر فراز کوه‌ها برپا می‌شده، چراکه در تصور مردم کوه نزدیک‌ترین مکان به آسمان و جایگاه خدایان بوده و زندگی در کوه نشان بریدن از تعلقات دنیایی و پیوستن به علایق آن جهانی بوده است (الپاده، ۱۳۷۵). در قرآن نیز بارها بر اهمیت کوه‌ها تأکید شده و از کوه‌ها به عنوان لنگر، پناهگاه، میخ‌ها و گیرنده لرزش‌های زمین یاد شده است (داریوش، ۱۳۹۵).

کوه در اندیشه ایرانیان نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. «هرودت» درباره نیایش کردن پارسیان در دوره هخامنشیان می‌نویسد: نیایش نه در عبادتگاه‌های بزرگ بلکه در فضای باز و بر روی کوه‌ها انجام می‌گرفت. در مینوی خرد، دانا سبب ساخته شدن کوه‌ها را می‌پرسد و پاسخ می‌شود که «این کوه‌ها در جهان برخی انگیزنده باد و برخی بازدارنده آن، برخی جای ابر بارنده و برخی زنده اهریمن و نگاهدارنده و زندگی‌بخش آفریدگان اورمزد خدایند» (پورداوود، ۱۳۱۲). کوه‌های البرز به عنوان مهمترین کوه‌های ایران برای ایرانیان دارای اهمیت بسیاری بوده است. توصیفی که نویسندگان یشت‌ها از کوه البرز کرده‌اند، نشان‌دهنده آن است که البرز کوهی جغرافیایی نیست، بلکه کوهی مینوی و نماد بهشت است. خانه سروش در فراز البرز خود به خود روشن است و ستارگان، ماه و خورشید گرداگرد آن می‌چرخند (راشد محصل، بهنام‌فر و زمانی‌پور، ۱۳۹۱، ۱۲۵). همچنین براساس اعتقادات ایرانیان، کوه مقدس البرز، وسط زمین قرار دارد و به آسمان پیوسته است و طبق باوری کهن، زایش مهر را از آذرخش دو قطعه سنگ در کوه البرز می‌دانند. پل چینوت هم که براساس باور ایرانیان باستان، روح انسان‌ها پس از مرگ، برای رسیدن به بهشت یا دوزخ باید از آن بگذرند، در البرز قرار داشته است (موسوی و خسروی، ۱۳۸۷، ۱۱۵). در ایران به لحاظ جغرافیای طبیعی هم، کوه یک اصل بوده و اگر کوه نبود، آب و جنگل نبود و فلات ایران اینگونه شکل نمی‌گرفت. لذا کارکردهای بسیار و دست‌نیافتنی بودن البرز در گذشته سبب شده بود تا معانی بسیاری برای ایرانیان داشته باشد. این مسئله هم در دوره مهرپرستی، هم دوره زرتشتی و دوران اسلام، قابل مشاهده است. اما علی‌رغم آن همه کارکرد و معنا، به نظر می‌رسد در حال حاضر تنها رابطه میان مردم و کوه، رابطه‌ای عینی و با کارکرد تفریحی و ورزشی است که آن هم به روزهای تعطیل محدود می‌شود.

«آن اسگارد» استاد دانشگاه ژنو و متخصص منظر کوهستان، در بازدیدی از شهر تهران معتقد است: کوه‌های تهران در دو روز اول بازدید از شهر دیده نمی‌شوند و آنچه در اولین برخوردها به چشم می‌خورد شهری بزرگ با درختانی است

به عنوان مثال کوه در گذشته کارکرد دفاعی برای شهر داشته، که با تشکیل ارتش ملی (که از دستاوردهای مدرنیته است) دیگر به آن نیازی نیست یا مثلاً با انتقال آب رودخانه کرج به تهران، نیاز به چشمه‌ها و قنات‌های این کوه‌ها از بین رفته است، یا ورود مدرنیته و تکنولوژی، سبک زندگی و مدل معیشت مردم تهران را تغییر داد و کوه و دامنه آن دیگر منبع غالب تأمین معیشت مردم نیست، حتی روستاهای داخل و مجاور شهر هم در مدل معیشتی تغییر کردند و بدتر از همه، تکنولوژی امکان ساخت ساختمان‌های بلند را فراهم ساخته که مانع از دیدن کوه از بسیاری از نقاط شهر شده است (Dariush & Taghavian, 2019).

این روند بی‌توجهی به کوه‌های البرز تا جایی پیش رفته است که ما شاهد هستیم در برخی از منابع علمی، کوه‌های البرز - کوه‌هایی که روزی منبع آب و زندگی بودند - به عنوان عامل آلودگی شهر تهران معرفی شده‌اند. چنانکه نتایج دو پژوهش نشان می‌دهد: «کوه‌های البرز در شمال و شمال شرق آن به عنوان سدی جلوی بادهای غربی را سد کرده و سبب می‌شوند که همه آلاینده‌ها در سطح شهر باقی بمانند»؛ «باتوجه به وجود کوه‌ها که مانند سدی در مقابل این جریان‌ها قرار گرفته‌اند، آلاینده‌ها در یک لایه نازک سطحی بر روی شهر تهران انباشته می‌شوند» (صفوی و علیجانی، ۱۳۸۵) و (نقوی، ۱۳۹۰).

به طور کلی می‌توان رابطه شهر تهران و کوه‌های البرز را در گذر زمان به سه مرحله تقسیم کرد: مرحله اول، رابطه اولیه که کوه به عنوان پناهی برای شهر و بستری برای تأمین آب آن به حساب می‌آمده و رابطه ذهنی عمیقی میان مردم و کوه وجود داشته است. مرحله دوم، توسعه شهر به سمت کوه است که در این مرحله نیز کماکان رابطه، دوستانه و عمیق است و شهر تمایل دارد به سمت کوه برود. در مرحله سوم که مربوط به زمان حال است مشاهده می‌شود ارزش‌های کوه برای ساکنین شهر فراموش شده و شهر و ساکنان آن اقدام به تخریب کوه می‌نمایند و به حریم آن تجاوز می‌کنند و نوع رابطه به خصمانه تغییر یافته است. البته این بدان معنا نیست که در حال حاضر کوه برای مردم معنای زیادی ندارد. قطعاً کوه‌های شمال تهران برای تهرانی‌ها دارای معنای زیادی است اما این معانی در ذهن مردم آنقدر قوی نیستند تا آنها را نسبت به تخریب‌ها و تجاوزها به حریم آن به اقدامی وا دارد. در این مقاله به دنبال یافتن معنای کوه در ذهن شهروندان تهرانی هستیم. شاید از این طریق بتوان دریافت که چرا معنای فعلی نمی‌تواند کوه را به عنوان یک اولویت به زندگی تهرانی‌ها بازگرداند؟

تا جایی که مناظر کوهستانی و شیب شهر، تبدیل به هویت تهران شده‌اند. در طرح‌های جامع شهری هم تأکید بسیاری بر این ظرفیت‌ها شده است. اولین طرح جامع شهر تهران مصوب ۱۳۴۷، کوه‌های شمال تهران را هم‌تراز تپه «لیکایت آتن» و تپه «نوت مارتد» پاریس دانسته و در آن بیان شده کوه‌های شمال و شرق تهران پر قدرت‌ترین عناصر سیمای منطقه‌ای شهر تهران هستند که از نقطه نظر شهرسازی، منظری بدیع به شمار می‌رود. همچنین در سند اصلی طرح جامع شهر فعلی تهران مصوب ۱۳۸۶ بر ضرورت توجه به کوه‌های البرز به عنوان نشانه طبیعی، عنصری هویت‌بخش و یکی از مهمترین عناصر طبیعی تشکیل‌دهنده سازمان فضایی موجود شهر تهران تأکید شده است. براساس طرح‌های جامع، می‌بایست دسترسی‌ها و دید و منظر به کوه در بسیاری از مسیرها آزاد باشد (داریوش، ۱۳۹۵).

اما علی‌رغم این همه تأکیدات در عمل اقدامی صورت نمی‌گیرد و شاهد بی‌تفاوتی مردم و مسئولان نسبت به کوه‌های البرز هستیم. به عنوان مثال، کفایت چند درخت در تهران قطع شود، کمپین‌هایی تشکیل می‌شود و سرو صدایی - که کاملاً هم به جاست - راه می‌افتد. اما کوه‌های بی‌بی شهربانو در جنوب تهران در حال نابودی توسط کارخانه سیمان است و هیچ صدایی بلند نمی‌شود (خواجeh پیری، ۱۳۹۳)، همچنین شاهد تخریب و تجاوز به حریم کوهستان هستیم و همه‌جا هم مطرح می‌شود که منجر به پدید آمدن واژه کوه خواری! شده است (افشار، ۱۳۹۳). این در حالی است که کوه البرز در اصل زمینه‌ای برای شکل‌گیری شهر تهران در دامان خود بوده است و ساکنین و کالبد شهر تهران، جدای از کوه‌های البرز نبوده و نیستند. بدین معنی که شهر تهران در بستر کوه البرز شکل گرفته و نمی‌تواند جدای از آن باشد. ولی متأسفانه باید گفت این کوه‌ها اهمیت خود را در ذهن مردم از دست داده‌اند. کاهش اهمیت کوه‌های البرز در ذهن ساکنان آن به یکباره صورت نگرفته و این مسئله به دلایل مختلف و در زمان‌های مختلف رخ داده است. این کوه‌ها ابتدا کارکردشان را برای مردم و شهر و روستاهای پیرامونش از دست داده و در ادامه، معنای آن در ذهن مردم کاهش یافته است (داریوش و آتشین‌بار، ۱۳۹۷). ورود مذهب در مرحله اول و ورود مدرنیته و تکنولوژی (که در ایران هم‌دوره هستند) در مرحله بعد، از دلایل تاریخی کاهش کارکرد و اهمیت ذهنی کوه برای مردم بوده‌اند. ورود مذهب باعث کاهش یا از بین رفتن تقدس کوه شد و ورود مدرنیته و تکنولوژی هم این امکان را به مردم داد تا از مواهب کوه بی‌نیاز شوند و آن را تسخیر کنند.

پیشینه پژوهش

بخشی از پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند کوه‌های البرز برای شهر تهران دارای ظرفیت‌ها و اهمیتی است که مغفول مانده: مقاله «لبه‌های شهری، بررسی نقش لبه‌ها در تحقق اهداف منظر به اهمیت نقش لبه‌های شهری» به ذهنیت شهروندان پرداخته و کوه‌های البرز را به عنوان یکی از مهمترین لبه‌های هویت‌ساز تهران معرفی می‌کند (یاراحمدی، ۱۳۸۹). مقاله «دالان‌های دید عنصر هویت‌بخش منظر»، قلّه دماوند و کوه‌های البرز را به عنوان مؤلفه‌های اصلی منظر و نقاط عطف استراتژیک تهران و ظرفیتی به خصوص برای شهر تهران بر می‌شمارد که برنامه‌ریزی مناسبی برای دیده‌شدن این عناصر صورت نگرفته است (آل‌هاشمی، ۱۳۹۳). مقاله «ظرفیت‌های منظرین کوهستان بی بی شهربانو» کوه‌های بی بی شهربانو را از جنبه‌های جغرافیایی، تاریخی و انسانی دارای اهمیت بسیاری برای ساکنین ری دانسته، اما نگارنده آن معتقد است این کوه‌ها کارکرد خود را از دست داده و از شهر جدا شده است (خواجه پیری، ۱۳۹۳). پژوهش‌های دیگری نیز به دنبال یافتن چرایی بی‌تفاوتی مردم تهران نسبت به کوه‌های البرز و مغفول ماندن جایگاه و اهمیت این کوه‌ها هستند، از جمله: مقاله «کوهستان البرز در طرح جامع تهران» که عدم توجه به کارکردهای ذهنی کوه و نگاه کالبدی به آن به عنوان یک محیط‌زیست، را دلیل کم‌توجهی به کوه در برنامه‌ریزی و اقدامات طرح جامع تهران می‌داند (داریوش، ۱۳۹۵). مقاله «منظر کوه در شعر نوی پارسی» که با هدف بررسی جایگاه کوه در شعر نوی پارسی صورت گرفته، دو دلیل اصلی سنت‌شکنی و تغییر جهان‌بینی را عامل تغییر معانی کوه در شعر نوی پارسی می‌داند (داریوش و آتشین‌بار، ۱۳۹۷). مقاله «جایگاه کوه در ادبیات ایران در گذر زمان و تأثیر مدرنیته بر آن» نشان می‌دهد کوه در گذشته برای ایرانیان یک عنصر عینی و ذهنی (منظرین) بوده و به عنوان یک عنصر فرهنگی و معنایی، از ورود مدرنیته به ایران در امان نبوده است. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن است که زمینه کاهش نقش ذهنی و معنوی کوه زودتر از ورود فرهنگ مدرن به ایران آغاز شده که از نظر نگارندگان، علت آن، کاهش قدرت زایش فرهنگی جامعه آن دوره بوده است (داریوش و متدین، ۱۳۹۸). مقاله «رابطه شهر تهران و کوه‌های البرز از نگاه خبرگان» به دلایل عدم مطلوبیت رابطه کوه‌های البرز و شهر تهران از طریق مصاحبه با خبرگان پرداخته است و نتایج در مضامین اصلی و فرعی به صورت دسته‌بندی ارائه شده است (همان). چنانکه در

دسته‌بندی صورت گرفته ذکر شد، پژوهش‌هایی پیرامون اهمیت و ظرفیت‌های کوه البرز برای شهر تهران و ساکنان آن و همچنین دلایل رابطه نامطلوب فعلی این کوه‌ها با شهر تهران صورت گرفته است، اما پژوهش حاضر ضمن تأکید بر اهمیت کوه‌های البرز برای تهران و ساکنان آن به دنبال یافتن معانی ذهنی کوه‌های البرز در شهر تهران است تا شاید بتواند رابطه‌ای میان معنای ذهنی این کوه‌ها در ذهن مردم و کم‌رنگ شدن این معنا و بی‌تفاوتی آنان نسبت به این کوه‌ها بیابد.

روش تحقیق

به دلیل بدیع بودن موضوع پژوهش و براساس هدف پژوهش، در جمع‌آوری اطلاعات از روش پدیدارشناسی و در جمع‌بندی اطلاعات از روش تحلیل مضمون، استفاده شده است. بر این اساس، جمع‌آوری، نمونه‌گیری و تحلیل یافته‌ها نیز به تبعیت از این روش‌ها و با اصول تعریف‌شده این روش‌ها، صورت گرفته است. نظر به نوین بودن پژوهش در حوزه رابطه شهر و کوه در ایران و با تأکید بر رویکردی اکتشافی^۱ از دو پرسش کلان استفاده شده است: شما کوه‌های شمال تهران را چگونه تجربه کرده‌اید؟ و رابطه شما در حال حاضر با این کوه‌ها چگونه است؟

روش جمع‌آوری اطلاعات و نمونه‌گیری

روش مطالعه این پژوهش پدیدارشناسی^۲ است. پیش‌فرض ضمنی پدیدارشناسی این است که دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم در آگاهی ما خلق شده است (کرایب، ۱۳۸۵، ۱۲۴) و معانی ذهنی، مبنای ویژگی‌های عینی جامعه هستند (ریترز، ۱۳۸۲، ۳۲۶). لذا با این پیش‌فرض، مادامی که معنا و ذهنیت را مبنای واقعیت بدانیم و در پی کشف ذهنیت و تبدیل آن به واقعیت باشیم، پدیدارشناسی به مثابه نظریه و روش می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این روش یک روش کیفی و با تأکید بر تجارب شخصی انسان است. لذا افراد مصاحبه‌شونده می‌بایست تجربه‌هایی از موضوع پژوهش داشته باشند. براساس قاعده کلی تحقیقات کیفی، از روش اشباع نظری در تعداد مصاحبه‌ها استفاده شده است.

«اساساً حجم نمونه برای تحقیقات کیفی، حجم نمونه‌ای است که به اندازه کفایت به سؤالات تحقیق پاسخ می‌دهد» (Marshal, 1996). پرسش‌ها به صورت مصاحبه عمیق و از ۱۰ نفر و با رعایت اصول روش پدیدارشناسانه صورت گرفته است. در این پژوهش، انتخاب مصاحبه‌شوندگان به صورت

فاطمه معتقد است: دیدن کوه حال او را خوب می‌کند. بهرام می‌گوید: «دیدن کوه به من آرامش می‌دهد». امیر (۳۱ ساله) می‌گوید: «کوه آدم را به سمت خودش می‌کشد و می‌طلبد». امیر (۳۳ ساله) می‌گوید: «کوه باشکوه است و دیدن آن از راه دور حس عظمت و ابهت را القا می‌کند». بابک معتقد است: «دیدن کوه او را سحر می‌کند».

- مزیت‌های دیدن کوه

همه پاسخ دهندگان دیدن کوه را خوب می‌دانستند ولی شدت آن فرق داشت. بهزاد که احساس زیادی به این کوه ندارد می‌گوید: «دیدن کوه خوب است ولی مرا به به به و چه چه نمی‌اندازد» ولی در ادامه می‌گوید: «در محل کارمان که رو به کوه است برای پنجره پرده نصب نکردیم تا همواره منظره کوه را ببینیم». پژمان که احساس زیادی نسبت به این کوه‌ها دارد می‌گوید: «دوست دارم کوه‌ها را سفید و پربرف ببینم». میثم می‌گوید: «دیدن کوه از راه دور برایم زیاد مهم نیست و به جای آن دوست دارم حضور در کوه را تجربه کنم». بهرام و امیر (۳۱ ساله) معتقدند دیدن کوه در هوای پاک و شفاف خوب است و در شرایط آلودگی هوا دیدن کوه مزیتی ندارد. امیر (۳۳ ساله) می‌گوید: «با دیدن کوه قدرت خداوند را می‌بینم و به نظرم ویوی کوه به ملک ارزش می‌دهد». فاطمه می‌گوید: «دوست دارم از همه نقاط شهر کوه را ببینم». بهرام می‌گوید: «دیدن کوه مقدمه‌ای برای حضور در آن است و دیدن کوه‌ها از راه دور نیازم را به طبیعت تأمین می‌کند». ناصر می‌گوید: «برف‌های کوه، سبب تغییر رنگ آنها در فصول مختلف است و بر زیبایی آنها می‌افزاید».

- نوستالژی کوه

نوستالژی و خاطرات کوه‌های شمال نکته‌ای بود که چهار نفر از مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند. آقای وحید که تجربه زندگی خارج از کشور را دارد می‌گوید: «در کانادا هیچ کوهی اطراف شهر زندگی ما وجود نداشت و هرگاه با تهرانی‌های مقیم آنجا درباره تهران صحبت می‌کردیم حتماً یادی از کوه‌های شمال شهر می‌کردیم». ناصر از خاطرات جوانی‌اش و تفریحات آن دوره در کوه می‌گفت. پژمان از برف‌های روی کوه به عنوان خاطره یاد می‌کند. بابک می‌گوید: با توجه به اینکه خاطرات او از کوه با زود بیدارشدنش در روزهای تعطیل مرتبط است، از کوه‌رفتن خاطره خوبی ندارد.

• تجربه حضور در کوه

- احساسات فردی و درونی حضور در کوه

همه مصاحبه‌شوندگان به احساسات فردی و درونی اشاره کرده‌اند. فاطمه می‌گوید: حضور در کوه به او حس بزرگی

هدمند و براساس تیپ‌های شخصیتی و سبک زندگی‌های متفاوت افراد بوده است.

روش تحلیل اطلاعات

«تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود برای یافته‌های کیفی است. این روش برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند» (Braun & Clarke, 2006). «در روش تحلیل مضمون نیازی بر وجود چارچوب نظری یا چارچوب مفهومی نیست» (عابدی جعفری، سلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰). «تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند» (Braun & Clarke, 2006). «مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا اندازه‌ای معنا و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد» (ibid). «مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر نشانگر تجربه و درک خاصی در ارتباط با سؤالات تحقیق است» (King & Horrocks, 2010). «مضمون، الگویی است که در یافته‌ها موجود است و حداقل به سازماندهی و توصیف مشاهدات و حداقل به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد» (Boyatzis, 1998). با توجه به تنوع روش‌های به کار رفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد. در این پژوهش، تحلیل مضامین براساس دسته‌بندی سلسله‌مراتبی و براساس نظریات کینگ و رایان و برنارد صورت گرفته است، -سلسله‌مراتب مضمون در قالب مضامین و دسته‌بندی به صورت مضامین اصلی و فرعی (King, 1998); (Ryan & Bernard, 2000).

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در روش تحقیق بیان شد با طبقه‌بندی سلسله‌مراتب مضامین، به طور کلی می‌توان یافته‌های مصاحبه‌ها را به شش مضمون اصلی و ۱۹ مضمون فرعی دسته‌بندی کرد (جدول ۱).

• تجربه دیدن کوه

- احساسات فردی و درونی دیدن کوه

همه مصاحبه‌شوندگان به دیدن کوه از راه دور اشاره کردند.

جدول ۱. دسته‌بندی یافته‌ها در مضامین اصلی و فرعی. مأخذ: نگارندگان.

مضامین اصلی	مضامین فرعی
تجربه دیدن کوه	احساسات فردی و درونی دیدن کوه مزیت‌های دیدن کوه نوستالژی کوه
تجربه حضور در کوه	احساسات فردی و درونی حضور در کوه نظرگاه کوه مقایسه با سایر عناصر طبیعت
ارتباط ذهنی با کوه	بیان احساس کلی از کوه مشارکت در مسائل مرتبط با کوه
جنبه‌های کارکردی کوه	جنبه‌های ورزشی کوه‌رفتن جنبه‌های تفریحی کوه‌رفتن کارکرد نشانه‌ای کوه منظر کوه
موضوع کوه‌رفتن	دلایل فردی امکان دسترسی سریع و ارزان جایگاه دولت و مسئولان شهری
حفاظت از کوه	نقش افراد تشکل‌های مردمی نقش و جایگاه دولت و مسئولان شهری

• مقایسه با سایر عناصر طبیعت

چند نفر از مصاحبه‌شوندگان به موضوع مقایسه کوه با جنگل و دریا و کویر اشاره کرده‌اند. فاطمه می‌گوید: «کوه را از بقیه عناصر طبیعی بیشتر دوست دارم». پژمان می‌گوید: «من در کوه به دنبال چیزی هستم که در جنگل و دریا نیستم، و آن سکوت است» امیر (۳۳ ساله) می‌گوید: «ما در تهران جنگل و دریا که نداریم و فقط البرز را داریم».

• نظرگاه کوه

امیر (۳۱ ساله)، میثم و پژمان به نظرگاه‌های کوه اشاره

می‌دهد و هرگاه در کوه است، نمی‌خواهد آنجا را ترک کند و بالا رفتن از کوه به او احساس موفق بودن می‌دهد. بهرام که در منطقه‌ای کوهستانی و در شهر دیگری بزرگ شده است می‌گوید: «کوه‌های شمال تهران حسی را که کوه‌های شهر خودمان دارد را به من نمی‌دهد». بابک می‌گوید: «انگیزه کوه‌رفتن را ندارد ولی وقتی آنجاست حالش خوب است و می‌گوید دوست دارد کوه را از راه دور ببیند تا به کوه برود». میثم می‌گوید: «کوه‌رفتن روح انسان را قوی می‌کند» پژمان حضور در کوه را به دو بخش تقسیم می‌کند: مسیر و قله و احساسات متفاوتی را در این دو بخش تعریف می‌کند.

• منظر کوه

امیر (۳۱ ساله)، ناصر، بابک و پژمان منظر کوه را برای شهر مفید دانسته‌اند و به آلودگی‌ها و ساختمان‌هایی که مانع دیده‌شدن کوه می‌شوند اشاره کرده‌اند.

موضوع کوه‌رفتن

• دلایل فردی

بسیاری از دلایل کوه‌رفتن یا نرفتن مصاحبه‌شوندگان، دلایل فردی عنوان شده که یکی از پرتکرارترین دلایل، تغییر سبک زندگی ناشی از زندگی شهری است. از جمله: مشغله‌های کاری، گرفتاری و راحت‌طلب‌شدن مردم. بابک و امیر (۳۳ ساله) مسئولیت‌های خانواده را دلیل نرفتن به کوه می‌دانند. امیر (۳۱ ساله) و بهزاد، تغییر در نوع تفریحات را دلیل کوه‌نرفتن می‌دانند. بهزاد می‌گوید: درحالی‌که در شهر پاساژهای زیبا وجود دارد، نیازی نمی‌بیند برای تفریح به کوه برود.

• امکان دسترسی سریع و ارزان

مسئله هزینه و سختی‌های دسترسی مثل: نبود حمل و نقل عمومی مناسب، ترافیک و کمبود فضای پارکینگ، از دلایل مراجعه کمتر مصاحبه‌شوندگان به کوه عنوان شده است. ولی بابک و پژمان ضمن اعتراض به کمبود امکانات می‌گویند: اگر تصمیم به کوه‌رفتن بگیرند، موانع، جلوی آنها را نخواهد گرفت.

• جایگاه دولت و مسئولان شهری

میثم و بابک معتقدند، دولت برای نشاط و سلامت روحی و جسمی مردم وظیفه دارد تا کوه‌رفتن را برای مردم آسان کند. میثم معتقد است دولت عامدانه در این خصوص کوتاهی می‌کند و می‌گوید: کوه‌رفتن مردم هم مثل مسائل فرهنگی، از اولویت‌های دولت نیست و معتقد است، دولت باید برای تشویق مردم برای کوه‌رفتن، سوبسید پرداخت کند. او همچنین می‌گوید مسئولین به کوه‌های تهران وابستگی ندارند، چون اغلبشان تهرانی نیستند.

حفاظت از کوه

• نقش افراد

شش نفر از مصاحبه‌شوندگان به نقش افراد در حفاظت از کوه‌ها اشاره کردند. فاطمه می‌گوید: حس تعلق به کوه و

کرده‌اند و دیدن شهر و مناظر را از بالای کوه، را یک جاذبه کوه‌رفتن نام برده‌اند.

• ارتباط ذهنی با کوه

- میزان علاقه‌مندی و بیان احساس کلی از کوه

همه پاسخ‌دهندگان یک نظر کلی نسبت به کوه داشتند و آن هم نظر مثبت بود، اما میزان ارتباط ایشان با کوه متفاوت است. مثلاً پژمان معتقد است انسان طبیعی باید با طبیعت ارتباط داشته باشد، برای ارتباط با کوه می‌بایست درون خود را جلا دهی و معتقد است کوه فاصله فرد را با آسمان و خدا کم می‌کند.

- مشارکت در مسائل مرتبط با کوه

تنها سه نفر از مصاحبه‌شوندگان حاضر بودند برای بهترشدن شرایط فعلی کوه‌ها اقدام عملی کنند. امیر (۳۳ ساله) می‌گوید برای قرارداد سطل آشغال در کوه حاضر است پول بپردازد. پژمان هم می‌گوید در مسیر بازگشت در حد امکان زباله دیگران را هم جمع می‌کرده و بابک می‌گوید: «حاضرم برای کمک به کوه و بهبود رابطه مردم و کوه، بنویسم و سخنرانی کنم».

جنبه‌های کارکردی کوه

• جنبه‌های ورزشی کوه‌رفتن

برخی از مصاحبه‌شوندگان به کارکردهای ورزشی کوه اشاره کرده‌اند. فاطمه می‌گوید: «کوه‌رفتن برایم ورزش و چالش است» و بابک هم کوه‌رفتن را ورزش می‌داند.

• جنبه‌های تفریحی کوه‌رفتن

امیر (۳۳ ساله)، بهزاد، بهرام، امیر (۳۱ ساله) و میثم جنبه‌های تفریحی کوه‌رفتن را مهمتر می‌دانند و اشاره می‌کنند هوای خوب و جاذبه‌های طبیعت سبب می‌شود تا کوه برای تفریح مناسب باشد، ضمن اینکه همگی این مصاحبه‌شوندگان بر تفریح‌های گروهی و دسته‌جمعی تأکید کرده‌اند.

• کارکرد نشانه‌ای کوه

از نظر مصاحبه‌شوندگان این کوه‌ها به عنوان نشانه‌ای برای سنجش آلودگی هوا و نشانه‌ای برای جهت‌یابی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بابک و فاطمه می‌گویند: در جهت‌یابی از کوه بسیار استفاده می‌کنند. ناصر هم می‌گوید: هرروز از طریق کوه متوجه می‌شود هوا، تا چه اندازه‌ای آلوده است.

به کوه دچار بی‌تفاوتی شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند کوه در ذهن تهرانی‌ها دارای معانی متعدد است. این معانی، همگی از دو پرسش تجربه حضور یا مشاهده مصاحبه‌شوندگان از کوه‌های البرز و رابطه فعلی آنها با این کوه‌ها استخراج شده است. به دلیل ماهیت پرسش‌ها، پاسخ‌ها عمدتاً بر دریافت‌های فردی و ذهنی افراد از این کوه‌ها تأکید دارند به جز قسمتی از پاسخ‌ها که به حفاظت‌نشدن و آسیب به این محیط می‌پردازد. یافته‌های این قسمت که به رابطه سایر افراد با محیط کوهستان می‌پردازد؛ نشان می‌دهد مردم از دولت و شهرداری توقع دارند که در این زمینه کاری انجام دهد، کوه‌رفتن را برای مردم تسهیل کند و جلوی تخریب و آلودگی‌های هر روزه کوه را بگیرد. اما مسئله مهم اینجاست که مسئولین هم جزئی از ساکنین همین شهر هستند که نسبت به کوه دچار بی‌تفاوتی شده‌اند و مردم هم مطالبه جدی در این خصوص از ایشان ندارند. این کوه‌ها ظرفیت بسیاری برای مردم تهران دارد، اما مسئله مهم، شناخت جامع (که برآمده از رویکردی کل‌نگر باشد) این محیط طبیعی و ظرفیت‌های کالبدی و معنایی آن است. کوه‌های البرز یک عنصر طبیعی عینی-ذهنی است و به نظر می‌رسد اگر شناخت و رابطه‌ای کل‌نگر از آنها وجود داشته باشد، هم می‌توان از ظرفیت‌های کوه برای شهر و مردم به درستی بهره برد و هم جلوی تخریب کوهستان گرفته می‌شود. بنابراین توجه و پرداختن به مسائل ذهنی کوه و آن را یک پدیده فرهنگی دانستن، سبب می‌شود تا کوه‌های البرز بتوانند جایگاه خود را در ذهن تهرانی‌ها بیابند. چنانکه اغلب مصاحبه‌شوندگان به معانی ذهنی و کالبدی کوه و اهمیت آن به صورت جدی اشاره کرده بودند ولی در گفتگو و در پاسخ به این پرسش که حاضرند برای حفاظت از کوه تا چه اندازه وقت یا هزینه بگذارند جواب‌هایی می‌دادند که نشان می‌داد، رابطه عینی-ذهنی آنها با این کوه‌ها آنقدر نیست که آنها را به اقدامی وادارد. این در حالی است که قطع چند درخت در شهر تهران منجر به اقدام جدی انجمن‌های محلی یا تخصصی می‌شود و گاهی به توییح یا برکناری مسئولین شهری می‌انجامد. در انتها ذکر یک نکته ضروری به نظر می‌رسد. در جریان جمع‌آوری اطلاعات به دفعات با این عبارات برخورد کردیم: تفریح دسته‌جمعی، کوه‌رفتن دسته‌جمعی و خاطرات جمعی. به نظر می‌رسد کاهش روابط اجتماعی که ناشی از سبک زندگی جدید است، بر کوه‌رفتن مردم و ارتباط آنها با کوه هم تأثیر داشته است (جدول ۲).

وجدانش، سبب می‌شود تا او به کوه آسیبی نزند. بهرام کوه را مانند «مادر» مقدس می‌داند و می‌گوید: یک لکه در طبیعت، صدمه بزرگی به آن است و معتقد است کوه باید بکر باقی بماند و می‌گوید: آنهایی که به کوه صدمه می‌زنند خودخواه هستند. بهزاد می‌گوید: «من خودم به کوه آسیبی نمی‌زنم ولی درخصوص دیگران کاری از دستم بر نمی‌آید». امیر (۳۳ ساله) می‌گوید: «به کوه آسیبی نمی‌رسانم هم به دلایل اخلاقی و هم اینکه کوه را متعلق به خودم می‌دانم». پژمان می‌گوید: «کسانی که در کوه‌رفتن به کوه صدمه می‌زنند کوهنورد نیستند و تظاهر به کوهنورد بودن می‌کنند». میثم می‌گوید: «اگر مردم تاریخ و داستان‌های این کوه‌ها را بدانند دیگر به آنها صدمه نمی‌زنند».

• تشکل‌های مردمی

چهار نفر به مسئله تشکل‌ها و کمپین‌های مردمی اشاره کردند. فاطمه و بهزاد می‌گویند: هیچ کاری از دست این نهادها بر نمی‌آید. بابک می‌گوید: «تشکیل نهادهای مردمی خوب است ولی اظهار می‌کند این تشکل‌ها اغلب بازیچه سیاسیون می‌شوند و به آنها خوشبین نیست». امیر (۳۳ ساله) هم می‌گوید: «اگر تشکلی برای حفاظت از کوهستان تشکیل شود حتما مشارکت خواهد کرد».

• نقش و جایگاه دولت و مسئولان شهری

دو نفر به این موضوع اشاره کردند که دولت در حفاظت از حریم کوهستان کوتاهی کرده است. بهزاد می‌گوید: کار آنقدر بزرگ است که از عهده مردم بر نمی‌آید. بابک هم می‌گوید: دولت و شهرداری می‌بایست براساس برنامه‌ریزی‌های شهری و منطقه‌ای از این کوه‌ها مراقبت کند.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در حال حاضر مردم تهران به کوه می‌روند چون به دنبال چیزی هستند که شهر ندارد، مثل آرامش و هوای خوب و این پاسخی است که بارها در مصاحبه مردم در حال کوهنوردی از صدا و سیما شنیده شده است. اما نگارندگان مقاله بر این باورند که کوه‌های شمال تهران پدیده‌ای فراتر از آرامش و هوای خوب است و می‌تواند برای تهرانی‌ها چیزی مهمتر از یک عارضه جغرافیایی باشد. ادبیات پژوهش نیز نشان از ظرفیت‌های فراوان کوه (فراتر از بهره‌مندی فعلی مردم و شهر از کوه) برای شهر و ساکنان آن دارد که مغفول مانده‌اند و به نظر می‌رسد که مردم نسبت

جدول ۲. مشخصات افرادی که در این پژوهش از آنها مصاحبه به عمل آمده است. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	نام	تحصیلات	سن	جنسیت	شغل
۱	بابک	دکتری	۳۸	مرد	عضو هیات علمی
۲	فاطمه	کارشناسی ارشد	۴۱	زن	پژوهشگر علوم اجتماعی
۳	میثم	کارشناسی ارشد	۴۱	مرد	کارشناس امور فرهنگی
۴	امیر	کارشناسی ارشد	۳۳	زن	کارشناس عمران شهرداری
۵	امیرپژمان	دکتری	۳۹	مرد	مدیرمیانی شهرداری
۶	امیر	کارشناسی ارشد	۳۱	مرد	دامپزشک
۷	بهرام	کارشناسی	۲۹	مرد	کارشناس معماری
۸	وحید	دکتری	۵۰	مرد	رئیس مرکز تحقیقاتی
۹	ناصر	دکتری	۴۶	مرد	عضو هیات علمی
۱۰	بهزاد	کارشناسی	۳۹	مرد	کارشناس شرکت ملی فولاد

پی‌نوشت‌ها

۱. Exploratory

۲. phenomenology

فهرست منابع

- راهنمای آماده‌سازی مناطق حفاظت شده کوهستانی. (۱۳۸۸).
- جلسه دی‌ماه کمیته محیط زیست شورای شهر تهران، کارگروه گردشگری طبیعی و کوهستان، شورای شهر تهران.
- ریترز، جورج. (۱۳۸۲). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: علمی.
- صفوی، یحیی و علیجانی، بهلول. (۱۳۸۵). بررسی عوامل جغرافیایی در آلودگی تهران، پژوهش‌های جغرافیایی، (۵۸)، ۱۵-۲۵.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۲)، ۱۰-۱۵.
- کرایب، یان. (۱۳۸۶). نظریه اجتماعی کلاسیک. (ترجمه شهناز مسمی‌پرست). تهران: آگه.
- راشد محصل، محمدرضا؛ بهنام‌فر، محمد و زمانی‌پور، مریم. (۱۳۹۱). تجلی کوه در ایران باستان و نگاهی به جلوه‌های آن در ادب فارسی، مطالعات ایرانی، (۲۱)، ۱۸-۲۶.
- موسوی، سیدکاظم و خسروی، اشرف. (۱۳۸۷). پیوند خرد و اسطوره در داستان زال، پژوهشنامه علوم انسانی، (۵۸)، ۹۵-۱۰۸.
- نقوی، مریم. (۱۳۹۰). تحلیل سینوپتیکی عناصر اقلیمی مؤثر بر آلودگی هوای شهر تهران، پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، ایران.
- یاراحمدی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی نقش لبه‌ها در تحقق اهداف. منظر، (۱۱)، ۳۰-۴۲.
- آل‌هاشمی، آیدا. (۱۳۹۳). دلان‌های دید، عنصر هویت بخش منظر، منظر (۲۸)، ۶۸-۷۳.
- اسگارد، آن. (۱۳۹۳). گزارش کارگاه پدیدارشناسی منظر، کوه و هویت (ترجمه ریحانه حجتی)، منظر، (۲۸)، ۱.
- افشار، قباد. (۱۳۹۳). پدیده‌ای به نام «کوه خواری در اطراف تهران»، قابل دسترس در سایت: مشرق نیوز.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۵). دین پژوهی (ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۱۲). یسنا (جزئی از نامه مینوی اوستا) جلد ۱. تهران: انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ایران لیگ.
- خواجه پیری، مهدیه. (۱۳۹۳). ظرفیت‌های منظرین کوهستان بی بی شهربانو، منظر، (۲۶)، ۷۴-۷۸.
- داریوش، بابک. (۱۳۹۵). کوهستان البرز در طرح جامع تهران، منظر، (۳۷)، ۴۸-۵۵.
- داریوش، بابک و آتشین بار، محمد. (۱۳۹۷). منظر کوه در شعر نوی پارسی، منظر، (۴۲)، ۳۷-۳۲.
- داریوش، بابک و متدین، حشمت‌اله. (۱۳۹۸). جایگاه کوه در ادبیات ایران در گذر زمان، باغ نظر، (۷۱)، ۷۷-۸۶.

- Boyatzis, R.E. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, *Qualitative research in psychology*, (2), 77-101.
- Dariush, B. & Taghavian, N. (2019). Cultural Study of the Relationship between Mountain and the City. *SOCIO-SPATIALSTUDIES*, 3 (5).
- King, N. (1998). *Template analysis*, in G.Symon and Cassell (Eds) *Qualitative method and analysis in organizational research*. London: Sage.
- King, N. & Horrocks, C. (2010). *Interviews in Qualitative research*. London: Sage.
- Marshal, MN. (1996). Sampling for qualitative research, *Family Practice*, (6), 522-525
- Ryan, G.W & Bernard, H.R. (2000). *Data Management and Analysis Methods*, In Denzin, N.K.Lincoln, Y. S.(Eds), *Handbook of qualitative research*, 769-802, Thousand Oaks, CA: sage.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

داریوش، بابک و دستیار، فاطمه. (۱۳۹۸). رابطه نامطلوب البرز و تهران؛ پدیدارشناسی معنای ذهنی کوه‌های البرز از نگاه ساکنین شهر تهران. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۸ (۲۸)، ۶۲-۵۳.

DOI: 10.22034/JACO.2020.226890.1157

URL: : http://www.jaco-sj.com/article_109808.html

